

## زن و جادو در اسطوره و تاریخ

دکتر عبدالعزیز موحندنساج

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی شوشتر

فریبا امین زاده زرگر

دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد شوشتر

### چکیده

زن از بدو خلقت و شروع زندگی اجتماعی، چاره گری بوده که با توجه به ضمیرناخودآگاه قوی خویش دست به دامان طبیعت گردیده و به برقراری ارتباط با ماوراء پرداخته و سپس بواسطه ی این توانمندی ها با استفاده از نیروی مادرانه اش دست به ابداعات زده، که این زایش و ابداعات وی "جادو" نام گرفت. در نمادها هرآنچه نقش آفرینندگی دارد به او همانند خواننده می شود. چراکه زن با واژگان فراوان زبان می آفریند و زبان مادری در تمامی جهان به نام او ثبت می گردد. او در تمامی اولین اختراعات جایگاه ویژه ای دارد و همین جادوی او می شود. اما در عین حال نیز جادو و جادوگری یکی از کارهایش می شود زیرا ضمیرناخودآگاه قوی اش او را به ماوراء پیوند می دهد که گاه برای جامعه خطرساز و مستوجب مجازات می شود.

بر این اساس در پی یافتن رابطه ی زن و جادو می باشیم و سعی شده با استفاده از منابع و مآخذ معتبر و بصورت توصیفی، تحلیلی به بررسی آن پرداخته شود.

**کلید واژگان:** زنان، جادوگری، ضمیرناخودآگاه، زایش، زبان مادری

زن بود شعرخدا، مرد بود، نثرخدا      مرد نثری سره، و زن غزلی تر باشد

نثر هرچند به تنهایی خود هست نکو      یک با نظم چو پیوست، نکوتر باشد

«ملک الشعراى بهار»

انسان نخستین زمانیکه که به زندگی اجتماعی روی آورده بود، نیازهایی داشت، که برای برآورده شدن آنها روبه سوی ماوراء الطبیعه نهاد. آنان دریافتند که برای غلبه بر طبیعت نیاز به نیرویی دارند که مافوق آنچه هست باشد، برای امنیت، برای غلبه ی بر ترس و برای شکار. آنان برای شکار به نیرویی مافوق نیروی طبیعی صیدشان نیاز داشتند تا بتوانند بر آن غلبه یابند، پس درون غارهای سرد و تاریک در پی یافتن راهی، دست به اعمال جادویی می زدند، به گمان خویش با اعمال جادویی بر قوای طبیعت تاثیر گذاشته و آنان را بر سر مهر آورده یا رام می نمودند.

در این بین فرد یا افرادی که از عهده ی این مهم برمی آمدند "جادوگران" قبایل نامیده می شدند. براساس شواهد تاریخی زنان جزء نخستین جادوان بودند. چرا که آنان اعتقادداشتند که زنان با توان خاص خویش قدرت برقراری ارتباط با ماوراء را دارند. زیرا قوه ی مخیله و ابتکار و زایش آنان این را به مردان فهمانده بود که می توانند واسطه ای میان ماوراء و زمینیان باشند.

در این مقاله برآنیم که بیابیم «چرا زنان را جادوگر خوانده اند؟» و چه ارتباطی میان زن و جادو وجود دارد؟ چگونه این اعتماد قوت گرفت و ادامه یافت؟ و نتیجه ی این اعتقادات منجر به وضع چه قوانینی برای زنان جادوگر شده؟ و در پی یافتن پاسخی مناسب به سؤالات به نظر می رسد که: شاید زنان بواسطه ی توانمندی های بسیارشان از جمله ضمیرناخودآگاه و قوه ی مخیله و مبتکرانه و زایش شان که منجر به تولید انسانی چون خود می گردد؛ باعث پیدایش چنین افکاری گردیده‌و شاید همین علت است که موجب اعتقاد به الهه ها و سپس بروز مادرسالاری در دنیای کهن شده و چون این توانایی محرز گردیده در پاره ای مواقع خطر ساز پیدا کرد. و مستوجب مجازات شد.

### جادو و زن

در جوامع و فرهنگ های مختلف تعاریفی خاص برای جادو در نظر گرفته شده است. گاهی آن را با سحر یکی دانسته اند و هر دو را به یک صورت معرفی کرده اند. یکی آنرا «کوششی برای کنترل طبیعت از طریق توسل به نیروی ماوراء الطبیعه» (گریگور، ۱۳۶۰: ۱۳۲) میدانند و دیگری معتقد است که: «کاری است که آدمی میتواند بوسیله ی دمیدن و تکرار کردن بعضی کلمات یا انجام بعضی اعمال، قوای فوق العاده عظیم جهان را به نفع خود قبضه کند.» (ناس، ۱۳۸۸: ۱۵) «در هندوستان نیز خیال و سحر را "یاتو" می نامیدند و همچنین نام قبیله ای در آنجا می باشد» (گل سرخی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷) در اوستا نیز به «گروه ساحران و گمراه کنندگان اطلاق شده است.» (عمید، ۱۳۸۹: ۱/۳۹۰) اما کلمه جادو که معنی اصلی اسمی "چاره" و "چاره گری" و تدبیر، و معنی وصفی آن "چاره گر" و "مدبر" است که استعمالش در نثر قدیم فراوانست و به معنی مجازی "سحر و جادو" و "فریب و مکر و مکار" و همانند آن است. (ابن سینا، بی تا: ۹۶۰) از نظر مردمان باستان «تمام اشیاء عالم دارای روح خاصی است که نامش مانا است.» (شریعتی، ۱۳۶۰: ۹۶) مانا قوه ی مرموزی است که در برخی اشیاء کم و بیش وجود دارد و حتی در بعضی اشخاص بسیار قوی و نیرومند است و ما بوسیله اعمال جادویی، ادعیه، اوراد خاص، واسطه گری جادوگر یا افراد خاصی که دارای نیرو و آگاهی ویژه ای در جلب و تسخیر این نیرو های مرموز دارند با توسل و تمسک به آنها، دست کشیدن و بوسیدن، آنها را در خودمان حلول می دهیم و از قدر و تقدس آنها برخوردار می شویم. (ناس، ۱۳۸۸: ۱۴)

تصوری که ساحران از قوه نیروی نهانی داشتند نظیر آنچه در اعتقاد به مانا وجود دارد به عقیده برخی محققین (فریزر و دورکین و موس) که آنرا توصیف و تشریح کرده اند را شاید بتوان یکی از منابع صور اولیه تصور علیت بشمار آورد. (وال، ۱۳۷۵: ۳۱۲) شاید بر اساس این دیدگاه بوده که جادوگران دارای جایگاهی خاص و در عین حال مخوف بوده اند که در این میان حضور زنان چشمگیر تر است چنانکه در ادبیات فارسی بعضی اوقات از زنان به عنوان جادو یاد شده به این مفهوم که سحر و

جادو بیشتر اوقات بی نتیجه است ولی زنان می توانند دل مردان و شوهران را با گفتار و اخلاق خویش بدست آورند. (گلسرخی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷)

شاید به همین خاطر است که چون زنان قادر به چنین کاری هستند به آنان جادوگر گفته شده!

دهخدا در تعریف جادو می نویسد: «جادو رفتار آدمی است، جادو رفتار زنان است. یعنی با رفتار نیک شوی و کسان را مهربان توان کرد و سحر و جادو کاری بیهوده است.» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۷۳۴۱)

جرمی بلک بیان می دارد که: «ساحری یا افسونگری، واژه ای است که برای جنبه هایی از جادو که از جذابیت کمتری برخوردار بود، و در زندگی روزمره بین النهرین باستان نقش دائمی بازی می کرده به کار برده می شده... به نظر می رسد که ساحران بیشتر مؤنث بوده اند تا مذکر.» (بلک/گرین، ۱۳۸۳: ۳۰۸)

با توجه به مطالب فوق با تعمقی بیشتر باید به مسئله نگرست و به چنین دیدگاهی نسبت به زنان ژرف تر اندیشید. پس لازم است که با توجه به برخی نظریات روانکاوانه به پاسخی مناسب دست یافت. یونگ اشاره می کند که: «روان زن تجسم تمام تمایلات روانی زنانه در روح مرد است، مانند احساسات و حالات عاطفی مبهم، حدس های پیشگویانه، پذیرا بودن امور منطقی، قابلیت عشق شخصی، احساس خوشایند نسبت به طبیعت و آخراز همه ولی نه کمتر از همه، رابطه‌ی با "ضمیر ناخودآگاه" است.» (یونگ، ۱۳۸۹: ۲۵۹)

و شاید یکی از علل همین باشد که با وجود براندازی مذاهب ابتدایی که گاهی با سحر و افسون و اسرار آمیخته بوده است و با آنکه مذاهب ابتدایی جای خود را به مذاهب یهود و مسیحی سمبل های نرینه داده است، هنوز «زن درون» یا روانه زنانه به کار کشف و شهود می آید.

با توجه به این ویژگی زنان است که از (ضمیر ناخودآگاه قوی) آنان در زمان های قدیم برای کشف و اراده‌ی الهی و برقراری ارتباط با خدایان استفاده می شده (از کاهنه

## زن و جادو در اسطوره و تاریخ

ها و گشتایانه خواهر شاه دموزی سومری برای برقراری ارتباط با خدایان استفاده می شد).

شاید بتوان بر نظریه ی یونگ این نکته را نیز افزود که کارایی و توانایی زنان جادوگر در جهت تحقق رویدادهای «شر» نشانه‌ای از همین نیروی استثنایی زنانه در ایجاد ارتباط با ناخودآگاه است.

همچنین در جایی دیگر با استفاده از همان نظریه یونگ اعلام می دارد که «یک نمونه خوب از تصویر باطنی روان زنانه در پزشکان و پیغمبران (شامان‌های) اسکیمو و سایر قبایل ساکن قطب شمال یافت می شود. برخی از اینان حتی لباس زنانه می پوشند یا تصاویر سینه‌های زنان را به روی جامه‌های خود نصب می کنند تا طرف زنانه ی درونی خود را نشان دهند. آن طرفی که آنها را قادر می سازد با سرزمین ارواح (یعنی آنچه که ما امروزه ناخودآگاه می نامیم) مربوط شوند.» (همان: ۲۱۰)

احتمالاً بتوان برداشت کرد که «این توانایی بالقوه زنان باعث شده که آنان را به سمت و سوی جادوگری و ساحری سوق دهند و برایشان نیرویی اینچنین متصور گردند. احتمالاً همین ضمیر ناخودآگاه و توانایی ایجاد ارتباط با عالم ماورائی و حضور روحی اوست که باعث گردیده تا دست آویزی شود برای انجام اعمالی که بسیاری از مردم و مردان از آن عاجز هستند و این توانایی او "سحروجادو" نام گرفته است تا زنان جادوگرانی شوند که جوامع تا حدود زیادی به آن احساس نیاز می کنند. چرا که «عنصر مادینه مردرایی می‌دهد تا مرد خود را با ارزش‌های واقعی درونی همساز کند و میانجی میان "من" و دنیای درونی و "خود" را بر عهده گیرد و این همان نقش جادوگران قبایل است.» (همان، ۲۸۴)

اما چه شد که زنان را جادوگر نامیدند؟ و از کجا این نیروی جادویی را برای او متصور شدند؟

گمان می‌رود که شاید برخی توانایی‌ها و اختراعات و اکتشافاتش موجب گردیده که این وصله به او چسبانده شود. چرا که در بسیاری موارد او اولین است و خالق بسیاری از نیازهای مردان! چنانچه با توجه به دلایل و مدارک موجود او را قادری می دانستند که این توانایی‌ها را دارد.

۱- زایش:

«مصدر، زادن-زاییدن که به معنای فرزندآوردن و بوجودآوردن و تولیدکردن است از ریشه زن گرفته شده است.» (منصوری/حسن زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۳) "نیمه" (Nimmah) خدای بانوی سومری است که به معنای بانو یا کسی است که می زاید و این خدای بانو در اساطیر سومری مبداء آفرینش است. (Philibert، ۱۹۸۸: ۱۰۵)

زایش، بدنیا آوردن موجودی چون خود، کاری که از دست مردها بر نمی آید. براین اساس است که ما به خدای زنان فراوانی در دنیای کهن و باستان برمی خوریم. الهه هایی که نماد زایش هستند، و این زایش را نیز برای او بعدها به سایر پدیده های طبیعی تعمیم دادند و الهه هایی را برایشان متصور شدند، مانند الهه آناهیتا، ... «در تمامی فرهنگ ها و باورها زمین خدایی مونث و مادر تصور شده است.» (دوران، ۱۳۹۲: ۴/۵۸) «واژه ی اوستایی jeni = jani به معنای زن است.» (پاشنگ، ۱۳۸۱: ۱/۶۴۳) در یافته های مارلیک، سفالینه ی مادری که با برجسته نشان دادن قسمت های زنانه سعی در به تصویر کشیدن قدرت زنانگی وی داشته اند این مسئله به چشم می خورد. (محمدپناه، ۱۳۹۰: ۱/۱۶) زن خدائی است که آفرینش انسان را بر عهده دارد. «در جوامع کشاورزی، از هندامدیترانه، به گونه ای از اساطیر بر میخوریم که خدایان بارورکننده یا تابعی از ایزد بانوی بزرگ آب اند. در این صفحات پهناور جغرافیایی، تصور "خدای آفریننده" و پدرگونه، جای خود را به "خدای زایش" می دهد.» (بهار، ۱۳۶۲: ۲۴۷/۲۴۶)

«در کیش مهر و آیین میترا نیز این ارتباط میان مهر، رویش، زایش و آب می بینیم.» (کویپپر/یاکوبس، ۱۳۸۴: ۱۷) چنانکه در اوستا نیز میخوانیم که: «ای اهورامزدا، زنان رامی ستایم. زانی را که از آن تو هستند و از بهترین "اشه" برخوردارند، می ستایم.» (دوستخواه، ۱۳۸۹: ۱/۲۴) زیرا که، زن زندگی می بخشد و میزاید. پس می بینیم که هر آنچه نماد زایش است بانوی باروری شناسانده میشود. چنانکه می خوانیم: «ای آبهای بارور! شمارا به یاری میخوانیم، شمارا که همچو نماد رید... شما ایمادران زنده.. (همان، ۲۰۵)

## زن و جادو در اسطوره و تاریخ

پینی کرمادر آفرینش بزرگترین نماد مونث ایلام از بخش های مهم ایران باستان است که او را فرمانروای آسمان و بانوی بزرگ آسمان هم می خواندند، بزرگ خدای مادینه، نزد زنان ایلام از تقدس بسیاری بهره مند بود. (منصوری/حسین زاده، ۱۳۸۷: ۱۶۳)

### ۲- کشف دارو:

شاید بتوان گفت زنان و مادران پایه های نوعی درمان و طبابت از طریق گیاه داروها را بنیان نهاده اند. (لاهیجی/کار، ۱۳۷۷: ۲۲/۲۱) که این هم جادوی دیگری از زنان است! با توجه به آنچه در نوشته های اوستا موجود است؛ می بینیم که درمان با گیاهان دارویی چیزی است که از خدایان نشأت گرفته و توسط نیروهای ماروایی به انسان هدیه گردیده است و این زنان هستند که با گیاهان ارتباط برقرار کرده و آنها را برای درمان بکار گرفته اند و جان ها را نجات بخشیده اند و از نظر مردمان کهن، "جادو" کرده اند. در واقع راز جادوگران اینست که از گیاهان و اثرهای ویژه ی آنان و در هم آمیختن آنها بتوانند به نتیجه ی دلخواه برسند. «چنانکه در کنگو زبانزد همگان است که پزشکان زن در کاربرد داروها و داروسازی و گیاه شناسی کارشناس تراند.» (همان، ۲۱) «پرواضح است که عمل سحر و جادو در ارتباط تنگاتنگ با پزشکی و غیبگویی بوده است و گاهی تفکیک آنها از یکدیگر، کاری صعب و دشواری نماید.» (بلک/گرین، ۱۳۸۹: ۲۰۷) در ادبیات و اساطیر رومی درخت زیتون نماد نور خداست و هدیه ی خدایان به انسان، که در وجود "می نرو" (Minerve) ایزدبانوی هنر و حکمت، که هم نماد باروری و هم نماد صلح و آرامش هم نماد نیرو و نامیرایی است، متجلی شده است. (Hall، ۱۹۴۷: ۲۰۷)

### ۳ - سفال سازی:

همه واقف هستیم که اولین سفال ها در ایران ساخته شده است. قدیمی ترین قطعه سفال دوران نوسنگی که در ایران بدست آمده از تحتانی ترین طبقه ی استقرار تپه ی "گنج دره" یافت شده است. قدمت این قطعه سفال که دارای خمیری به رنگ خاکستری تیره و در حرارتی کم پخته شده است متعلق به حدود ۸۴۵۰ سال ق.م تعیین شده است. (گروه نویسندگان، ۱۳۸۷: ۶) و آنطور که گفته می شود اولین سفال گران زنان بوده اند.

دیاکونوف نیز معتقد است که قدیمی ترین سفال‌های منقوش متعلق به آسیا در دره های رسوبی سوزیانا

اینچنین باشد. بررسی های امروزه ثابت می کند که گنجینه ی واژگان زنان گنجایشش بیش از مردان است تا او بتواند به ایفای نقش خود در آموزش زبان بپردازد. (خوش منش، ۱۳۸۹: ۲۶۵/۲۶۶)

سخنگویی در حقیقت نوعی ساختار رفتاری است که در پناه دوران کودکی در تبار انسان بوجود آمده و بتدریج با گسترش محیط زندگی و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی و تنوع واژگان تکامل یافته است شاید به همین سبب است که تا امروز نیز زبان رایج هر جامعه رازبان مادری می نامند. (همان، ۲۳)

#### ۴- ابزار سازی

یکی دیگر از سحرهای زنان در دوران پیش از باستان، ابزارسازی بوده است زنان در دورن غارها، شروع به ساختن ابزارهای گوناگون کردند و در واقع ابزار آفریدند ابزار های تراش یا کاردک ها را ساختند و به کار بردند، چنانچه بخش گسترده‌ای از ابزارهای پیش از تاریخ را در بر می گیرند. (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۲۱۶)

#### ۵- سخن گویی:

در تمام فرهنگ ها و زبان ها به زبان گفتگوی میان مردمی زبان مادری اطلاق می شود. اتکاء دراز مدت کودک به مادر و غرایز موروثی ناشی در انسان موجب می شود که آدمی از همان دوران کودکی واکنش های مناسب یا موقعیت های ویژه را از طریق مادر بیاموزد. این آموزشی که به صورت انتقال تجارب از مادر به فرزند انجام می پذیرد. بیش از هر عاملی دیگر نیازمند وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم و در نتیجه سخنگویی است. یکی از ابعاد و نقش های آموزشی و تربیتی زن، در آموزش زبان است. آری مشهور است که زنان زیاد حرف می زنند، و باید نیز اینچنین باشد. بررسی های امروزه ثابت می کند که گنجینه ی واژگان زنان گنجایشش بیش از مردان است تا او بتواند به ایفای نقش خود در آموزش زبان بپردازد. (خوش منش، ۱۳۸۹: ۲۶۵-۲۶۶)

سخنگویی در حقیقت نوعی ساختار رفتاری است که در پناه دوران کودکی در تبار انسان بوجود آمده و بتدریج با گسترش محیط زندگی و پیچیده تر شدن روابط اجتماعی



و تنوع واژگان تکامل یافته است شاید به همین سبب است که تا امروز نیز زبان رایج هر جامعه رازبان مادری می نامند. (لاهیجی و کار، ۱۳۷۷: ۲۳)

### ۶- کشاورزی

زنانی که دنبال گردآوری دانه‌های گیاهی بودند با توجه به رویش برخی دانه‌ها در فصول مختلف یافته‌ای جدید را تجربه کردند. و بدین ترتیب آموختند که می توان دانه‌ها را کاشت و مورد بهره برداری قرار داد. «طبق یافته‌های محققان باستان شناس که نقاط مسکونی شکارچیان دوره‌های مزولیتیک و نئولیتیک در سواحل جنوبی غربی دریای خزر را مورد مطالعه قرار داده‌اند. معلوم شد که شد که در این ناحیه که مربوط به ۸۵۰۰-۶۰۰۰ ق.م است به تدریج شکارچیان در تحت شرایط مساعد طبیعی به کشت غلات مبادرت ورزیده‌اند. در دره رودهای کوچک تمدن دام داران کوچ‌نشین و کشاورزان هزاره پنجم قبل از میلاد به وجود آمده است. در نقطه‌ی مسکونی دوره انولیت در نزدیکی ویرانه‌های پرسپولیس که توسط هر تسفلد انجام شده اهمیت بسزایی دارد. هر تسفلد معتقد است که در این دوره، زن دارای شوهرهای متعددی بوده و خانواده به صورت یک زن و چند شوهر بوده است. (دیاکونوف، ۱۳۸۲: ۳۴) همچنین دیاکونوف بیان می کند که: هزاره ۵ ق.م کنار رودخانه‌های کرخه و هف کارون قدیمی ترین نواحی کشت غلات در مقدم به شمار می روند. (همان: ۳۸) «انسان باتحول عمیق اجتماعی واقتصادی که در نحوه‌ی زندگی خود پدید می آورد، به حفظ خود برابر نیروهای دشمن و جادوهای ایشان محتاج بود و به امنیت آب برای کشتزارها و باروری آنها و همچنین به بازار برای مبادله کالاهای خود نیاز داشت. این امرخدایان فعال بارورکننده، الهگان قدرتمند و بزرگ و مادر و نیز خدایان آبها، ماه، و گیاهان را پدید آورد.» (خوش منش، ۱۳۸۹: ۱۸۴) در یونان باستان نیز به ایزدبانویی به نام Gaia که به معنای اولین زاده می باشد و اولین ایزدبانوی یونان باستان است که در میان اسطوره‌ها، "مادر-زمین" دارای جایگاه ویژه‌ی هی است و درخت زندگی ریشه در خاک دارد، در واقع زن به آن تشبیه شده است.

بنابر آنچه گفته شد می توان دریافت که زن باز هم نقش آفرینش و خدایی را ایفا نموده و کاشت دانه های گیاهی را وسیله ای برای برتری و استیلای خود بر خانواده و جامعه قراردادده و بدین سان توانسته چندین مرد را تحت سلطه ی خویش درآورد. (Philibert, ۱۹۸۸: ۱۰۵)

#### ۷- معماری

حال که زن توانسته قدرت رویاندن گیاهان را کسب نماید برای نگهداری دانه های برداشت شده نیز باید راهی بیاید. مردان تمام روز را به دنبال شکارند و زن متفکرانه به اطراف می نگرد و می اندیشد که چه باید کرد. گمان می رود که انبار ها پیش از خانه ها ساخته شده اند چراکه برای ذخیره ی خوراکی ها و غلات و مردمانی که باهم و بصورت گروهی زندگی می کنند چاره ای باید یافت تا از گزند جانوران و پرنندگان و باران و... در امان بمانند.

اینبار نیز زنان برای این مسئله راهی اندیشیده اند. ابتدا صندوقچه ها و بعهدها نیز با ساختارهای پیچیده تر مشکل را حل نمودند. و کم کم به ساختن انبار پرداختند. و سپس به رام نمودن برخی حیوانات از جمله گربه برای از میان بردن موش های انبارها اقدام کردند. (دورانت، ۱۳۹۲: ۳۵) و در واقع اولین معماران و اهلی کنندگان نیز زنان شدند. «نمونه ای از آنرا می توان در میان قبایل بومی برخی نقاط جهان هنوز مشاهده کرد. چنانکه یکی از کشیشان که در میان سرخ پوستان پوئبلو زندگی می کرده به هم میهنان خود نوشته: که در اینجا هیچ مردی تا کنون دست به کار ساختمانی نزده است. بریفولت می نویسد: زن بدوی مانند جانوران مادینه از نرینه ها بسیار با ارزش تر خردمندتر نوآورتر است. نرینه ها در سنجش بامادینه ها کودن و ابله اند.» (Edzarnd, ۱۹۶۵: ۱۱۶)

آری زن با توجه به این توانایی ها توانست برای مدتی سلطان دنیای خویش گردد. جادوگری که پر از توانایی، خلاقیت است که همه برگرفته شده از ضمیر "ناخودآگاهش" هستند و منجر به پیشگویی و تعمق در مورد آینده می گردید. در عین حال نیروی باروری و زایش او قدرتش را مضاعف می نمود و البته این تا زمانی بود که

## زن و جادو در اسطوره و تاریخ

مردها به اسرار و رموزش و اقف نگردیده بودند. که در نهایت منجر به گوشه نشینی اش گردد.

او با توسل به همین توانایی ها همه‌ی اختیارات و قدرت را قبضه می کند و برای تسلط بر نیروهای طبیعی خانواده به او متوسل می گردد و جامعه برای دعا و نیایش به جادوی او متوسل می گردند. وجود الهه ها و رب‌النوع ها مؤید این مسئله می باشند. ما وقتی به اعتقادات ایرانیان کهن (ایلامیان) و کتیبه های بجای مانده از آنان دقت می کنیم با تعداد فراوانی از الهه ها و خدایان مونث قبل از حضور خدایان مذکر مواجه می شویم. که گاه نیز از آنان درخواست کمک در مقابل جادو و جادوگران می نمایند، حتی شاهان از آنان میخوانند که با اعمال جادویی خویش مانع ویرانی کتیبه هایشان شوند «ازخدای "نوسکو" که یکی از خدایان بابل است وبه عنوان خدای روشنایی و آتش در متون اکدی است، در سوگندهای خود سعی می کند جادو و جادوگران را بسوزاند.» (Edzarnd، ۱۹۶۵: ۱۱۶)

### ۸- زنان جادو

در سراسر اسطوره‌ها ردی از زنان جادوگر وجود دارد. زمانیکه در مقابل اسطوره های نیرومند قدرتی را به رخ می کشند نام از «زنان جادو» به میان می آید. در خان های هفت گانه ی رستم و اسفندیار هر دو در خوان چهارم با زنی جادو مواجه می شوند که با قدرت جادویی خویش سعی در فریب آنان دارند. و شاید هم مجازات هایی که برای جادوگران زن در دوران باستان بطور اخص مطرح شده بواسطه ی همین باشد که ایمان به قدرت فوق‌العاده جادویی زنان درمیان آنان به شدت موردتوجه بوده است. برای تأیید مطالب فوق چندین نمونه ذکر می گردد.

### الف- خان چهارم رستم:

در خان چهارم ، جادوزنی در هیأت زیبارویی قصد فریب رستم را دارد. که با آمدن نام یزدان به زبان رستم صورت واقعی او نمایانگر می گردد و حیلہی او بر رستم آشکار می شود. و رستم او را از میان برمیدارد. (آموزگار، ۱۳۹۱: ۶۸)

### ب) خان چهارم اسفندیار

در خان چهارم اسفندیار با زن جادوگر و فریبکاری که به صورت پری درآمد است روبرو می شود، ولی فریب نمی خورد و او را از پای در می آورد. (همان، ۶۸)

زن جادو و آواز اسفندیار چوبشید  
بهار (فردوسی، ۱۳۷۸: ۹۸۲)

یکی از ویژگی های بسیار خاصی که برای زنان جادوگر متذکر شده اند توانایی تغییر چهره است.

### ج) دلیلی برای طلاق و مجازات

در دوره ی پارت، مرد تنها به چهار دلیل می توانست زن خود را طلاق دهد که یکی از آنها پرداختن به جادوگری است. . (وحدتی هلان، ۱۳۹۱: ۲۸)

زنانی که از اصول و هنجارهای اجتماعی پیروی نمی کردند به دلایل گوناگون مجازات می شدند که معمول ترین آنها جادوگری و کفرگویی بود. (دریایی، ۱۳۸۶: ۱۷۵)

یکپایزگناهان بزرگبرای زنان جادوگری است و گفته شده است که دروندیداد سزای این زنان چنین بوده است:

فصل ۳۵- با دندان جسد خود را لیسیدن و خوردن

فصل ۷۶- بریدن پستان خود با دست و دندان، دریدن شکم توسط سگان،

فصل ۸۱- بریدن زبان- چشم کندن، خورده شدن مغز توسط کرم و مار و بریده شدن تن توسط خرفستران.

فصل ۸۴- پستان را داغ کردن و شکم دریدن (وحدتی هلان، ۱۳۹۱: ۱۱۱-۱۱۰)

سراسر دنیای باستان ردپای جادوگران نمایان است و نه تنها در ایران بلکه در تمام جهان از جادوگران سخن به میان آمده.

وقتی که حضرت موسی معجزات خود را برای هدایت مردم به نمایش می گذارد او را جادوگر خطاب می کنند. حضرت عیسی را نیز به همین منوال مورد خطاب قرار می دهند. در زمان پیامبر اسلام نیز ما شاهد جادوگرانی هستیم که دست بکار شده اند تا او را از میان بردارند.

چنانکه: یکی از زنان اهل مدینه به دستور عبدالله ابن ابی پیامبر را جادو می کند و موجبات بیماری وی را فراهم می آورد و حضرت جبرئیل سوره ی ناس را برای بطلان این جادو بر پیامبر نازل می کند و با خواندن آن سوره جادو باطل شده پیامبر از بیماری رهایی می یابد. (گلسرخ، ۱۳۷۷: ۱۴)

ما در قرآن کریم نیز به سحر و جادوی هاروت و ماروت بر می خوریم. مقدسی می نویسد: اگر هاروت و ماروت چنانکه گفته انددو فرشته باشند آن دونفر از انجام زشت آن بر حذر آمده اند که برای مردم انواع سحر را بیان کنند و ایشان را از سر کنند. (مقدسی، ۱۳۴۹: ۳/۱۲)

بدین ترتیب می بینیم که معنا و تفسیر جادو و جادوگری آنچه در ابتدا شکل گرفت با آنچه امروزه متداول است تفاوت چشمگیری نموده و آن فضیلت نخستین تبدیل به معضلی بزرگ و قابل مجازات گردیده که جرمی بزرگ محسوب می شود .

### نتیجه

زن در اسطوره ها و دنیای کهن دارای جایگاهی خاص بوده است و بسیاری از صفات خدایان به او نسبت داده شد. کسی که از نظر تاریخی مخترع و مکتشفی است که اولین ها از آن اوست، نماد روشنایی، آب، زایش، سازندگی و علم است و کسی است که با ضمیر ناخودآگاه قوی موجبات ارتباط با ماوراء را سهل تر کرده است و بدین ترتیب "جادو" نموده وی توانمندی است که با جادوی چاره گری خویش چه با زبان و چه با عمل در ادوار مختلف توانسته موجبات ترقی مردان را فراهم آورد و بدین واسطه پرورش دهنده ی جامعه و تاریخ گردد. اما گاه نیز به خط رفته و نه برای اصلاح جامعه بلکه برای بدست گرفتن افسار جامعه رو به سوی سحر و ساحری های سیاه آورده که بسیار تقبیح شده چرا که از آن اصل و نهاد و نمادها فاصله گرفته است. اما هرچه هست جایگاهی رفیع دارد که در صحف الهی نیز در مورد او سخن های فراوانی گفته شد. ولی آنچه مسلم است اعمال و رفتار و توانایی های او، همان کارهایی که مردان قادر به انجامش نبوده اند در نهایت موجب شکل گرفتن این اندیشه که «زنان جادوگرند» گردیده است.

**منابع**

- ۱- آموزگار ژاله، 1391، تاریخ اساطیری ایران، تهران، سمتچ سیزدهم.
- ۲- ابن سینا حسین، خودآموز علوم غریبه (کنوزالمغرمین)، جلال الدین همایی، بی جا، بی تا.
- ۳- بلک جرمی و آنتونی گرین، 1381، فرهنگ نامه خدایان، دیوان و نمادهای بین النهرین باستان، پیمان متین، تهران، امیرکبیر، چ اول.
- ۴- بهار مهرداد، 1362، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران، طوس.
- ۵- پاشنگ مصطفی، 1381، فرهنگ پارسی پاشنگ (ریشه یابی واژگان پارسی)، زبان شناسی و واژگان جهانی زبان، تهران، نوژان.
- ۶- خوش منش ابوالفضل، 1389، زن سیمای زندگی در دین و اسطوره، قم، ادیان، چ اول.
- ۷- دریایی تورج، شاهنشاهی ساسانی، مرتضی ثاقب فر، 1386، تهران، ققنوس، چ سوم.
- ۸- دورانت ویل، مشرق زمین گاهواره تمدن (ایران)، حسین کامیاب، محمدمامین علیزاده و فاطمه معیت، 1392، تهران، بهنود، چ چهارم.
- ۹- دوستخواه جلیل، 1389، اوستا (کهن ترین سرودها و متن های ایرانی)، تهران، مروارید، چ نوزدهم.
- ۱۰- دهخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، محمدمعین وجعفر شهیدی، 1377، تهران موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ دوم از دوره جدید.
- ۱۱- دیاکونوف میخائیل میخائیلویچ، 1382، تاریخ ایران باستان، روحی ارباب، تهران، علمی فرهنگی، چ سوم.
- ۱۲- شریعتی علی، ۱۳۵۰، شناخت و تاریخ ادیان، تهران، البرز، چ اول.
- ۱۳- عمید حسن، فرهنگ فارسی عمید، عزیزالله عزیززاده، 1389، تهران، راه رشد، چ اول.
- ۱۴- فردوسی ابوالقاسم، 1378، شاهنامه، تحت نظر ی. ا. برتلس، تهران، سوره مهر.
- ۱۵- کوئیپیر فرانسیسکوس وبرنادوس یاکوبس و دیگران، 1384، مهردر ایران و هند باستان، ویرایش بابک علی خانی، تهران، ققنوس.
- ۱۶- گروه نویسندگان، 1378، اطلس ملی تاریخ ایران، تهران، سازمان نقشه برداری کشور، چ سوم.

- ۱۷-گریگور آرتور، 1360، اسرار طلسم و جادو در دنیای ماوراءالطبیعه انسان اولیه، پرویز نجفیانی، تهران، عکایی، چ اول.
- ۱۸-گلسرخی ایرج، 1377، تاریخ جادوگری، تهران، علم، چ اول.
- ۱۹-لاهیجی شهلا و مهرانگیز کار، 1377، هویت زن ایرانی در گستره ی پیش از تاریخ و تاریخ، تهران، روشنفکران و مطالعات زنان، چ سوم.
- ۲۰-محمد پناه بهنام، 1390، کهن دیار (مجموعه آثار ایران باستان در مرزهای جهان)، تهران، سبزان، چ سیزدهم، ج. 1.
- ۲۱-مقدسی مطهر بن طاهر، 1349، آفرینش و تاریخ، محمدرضا کدکنی، تهران بنیاد فرهنگ ایران، چ اول، ج. 1.
- ۲۲-ملک الشعراى بهار محمدتقى. 1345، برگزیده قصاید بهار، کتابهای پرستو، تهران.
- ۲۳-منصوری یدالله و جمیله حسن زاده. 1378، بررسی ریشه شناختی افعال در زبان فارسی، زیر نظر دکتر سرکاراتی، تهران، فرهنگستان زبان جمهوری اسلامی ایران.
- ۲۴-ناس جان بایر، 1388، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر حکمت، تهران، علمی فرهنگی، چ نوزدهم.
- ۲۵-وال ژان، ۱۳۷۵، بحث در ماوراء الطبیعه، یحیی مهدوی، تهران، خوارزمی، چ اول،
- ۲۶-وحدتی هلان یونس، 1391، ارزش و مقام زن در ایران باستان، تبریز، اختر، چ اول.
- ۲۷-یونگ کارل گوستاو، 1389، انسان و سمولهایش، محمد سلطانی، تهران، جامی، چ

هفتم

#### منابع لاتین

- 1.Edzrand,D.O.(1965)"Die Mythologie der Sumere und Akkader" in Gotter and Mythun in vorder Orient, Stuttgart.
- 2.Hall,James,Dictionary of subjects and symbols art ,Introduction by Kenneth Clark,Icon Edition-Harper and Row , Publishers,New York,1947.
- 3.Phihibert,Mariyam,Dictionnaire illustr des mithoiogies celtique,egyptienne, Greco----latine, germano----scandinave,mesopotamienne, Morena,France,1998.